

شیخ کبر
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ

عش و بیانی دگر

ترجمہ و متن

الاشواق ترجمان

ترجمہ منظوم، مقدمہ و پیش

امیر حسین الہیاری



انتشارات مولیٰ

سرشناسه: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق.

Ibn al-Arabi

عنوان قرارداد: ترجمان الاشواق، فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و متن ترجمان الاشواق / شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی؛ ترجمه منظوم،

مقدمه و حواشی امیرحسین الهیاری.

مشخصات نشر: تهران: مولی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص، ۱۴/۵ × ۲۷/۵ سم.

شابک: 978-600-339-121-5

وضعیت فهرست نویسی: فبا

موضوع: شعر عرفانی عربی -- قرن ۷ ق.

موضوع: Sufi poetry, Arabic -- 13th century

موضوع: شعر عربی -- قرن ۷ ق. -- ترجمه شده به فارسی

موضوع: Arabic poetry -- 13th century -- Translations into Persian

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از عربی

موضوع: Persian poetry -- 20th century -- Translations from Arabic

شناسه افزوده: الهیاری، امیرحسین، ۱۳۶۲ - مترجم

بندی ۲ گره: PJA۴۳۵

رده: دیوبی، ۸۹۲/۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۲۴۶۱۱

ترجمان الاشواق



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن ۹۲۴۱ - ۶۶۲ - نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

وبسایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

ترجمه و متن ترجمان الاشواق • شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی

ترجمه منظوم، مقدمه و حواشی: امیرحسین الهیاری

چاپ اول: ۱۳۹۹ = ۱۴۴۱ • ۵۲۰ نسخه • ۳۲۴/۱
۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۱۲۱-۵ ISBN: 978-600-339-121-5

طرح جلد: استاد حمید عجمی • حروفچینی: دریاچه کتاب • چاپ: ایران مصور • صفای: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



۵۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

سیزده	مقدمه
۲	۱. «قصیده»
۳	«قصیده»
۱۸	۲. «دختری روم، پیرایه آسقفوار»
۱۹	«أسقفّة من بلاد الروم»
۲۲	۳. «درودی ز عاشقی مرده»
۲۳	«تحية مشتاق متيم»
۲۶	۴. «سلام بر سلمی»
۲۷	«سلام علی سلمی»
۲۸	۵. «ناله‌هایی به آسمان شده بر»
۲۹	«زفريات مصعده»
۳۰	۶. «نه امیدی و نه صبری»
۳۱	«لا عزاء و لا صبر»
۳۲	۷. «حلقه‌ی خوب رویان»
۳۳	«الوانس المزاحمات»
۳۴	۸. «خانه‌های کهن و عشق تازه»
۳۵	«ربوع دارسة و هوی جدید»
۳۶	۹. «رعدهایی میان پهلوها»
۳۷	«رعود بين الضلوع»

- ۳۸ ۱۰. «عجب مدار»
- ۳۹ «لاتعجبی»
- ۴۰ ۱۱. «ارواح نوحه گر»
- ۴۱ «تناوحت الارواح»
- ۴۴ ۱۲. «نقش خورشید به سنگین صمی»
- ۴۵ «شمس فی صورة الدمی»
- ۴۶ ۱۳. «بکی ملوقی نوحه گر»
- ۴۷ «الم رقة النائحة»
- ۵۰ ۱۴. «حدیث ما»
- ۵۱ «روایة ضبا»
- ۵۲ ۱۵. «شتر، کلاخ فراقه ست»
- ۵۳ «الجمال غراب البن»
- ۵۶ ۱۶. «پیمان پری رویان»
- ۵۷ «وعده الخود»
- ۶۰ ۱۷. «ای ساربان»
- ۶۱ «یا حادی العیس»
- ۶۲ ۱۸. «بر در ویرانه ها بایست»
- ۶۳ «قف بالمنازل»
- ۶۶ ۱۹. «کهنه خرابات»
- ۶۷ «الطلل الدارس»
- ۶۸ ۲۰. «مریضم؛ مریض دو چشم خمار»
- ۶۹ «مرضى من مریضة الاجفان»
- ۷۴ ۲۱. «روضه الوادی و بانوی قرقگاه»
- ۷۵ «روضه الوادی و ربه الحمی»
- ۷۶ ۲۲. «یا قوت چشم نازک تن»
- ۷۷ «طرف آخور و جید اغید»

۸۰. ۲۳. «غرقه در اشک»
۸۱. «غریق الدمع»
۸۶. ۲۴. «در ویرانه ها توقف کن»
۸۷. «قف بالطلول الدارسات»
۹۰. ۲۵. «واحربا از جگرم!»
۹۱. «واحربا من کبدی»
۹۶. ۲۶. «مرغزار تغزل»
۹۷. «روفا غناء»
۹۸. ۲۷. «من آنم که در ماندگی به فغانم»
۹۹. «أنا الذي شکو الـزل»
۱۰۰. ۲۸. «گه با تو دروغ گردید ایر باد»
۱۰۱. «قد تکذب الريح»
۱۰۶. ۲۹. «آن دختر عرب که عربی فصیح نتواند!»
۱۰۷. «عربية عجماء»
۱۱۲. ۳۰. «رېسمانِ حُسن»
۱۱۳. «طنب الحسن»
۱۲۰. ۳۱. «هر زبانی از او سخن گوید»
۱۲۱. «کل لسان بها ناطق»
۱۲۴. ۳۲. «با یاد طفولیت و ایام جوانی»
۱۲۵. «یذکرني حال الشببية»
۱۲۶. ۳۳. «پنجه درافکننده به انواع غم»
۱۲۷. «مطارحة بأفنان الشجون»
۱۲۸. ۳۴. «شیراز کجا و سیه چشمان کجا!»
۱۲۹. «أین الأسود من العیون السود»
۱۳۰. ۳۵. «سه ماه تمام»
۱۳۱. «ثلاثة بدور»

۱۳۲. ۳۶. «ای سرزمین نجد»
۱۳۳. «یا ثری نجد»
۱۳۴. ۳۷. «درودهای عشق»
۱۳۵. «تحیات الهوی»
۱۳۶. ۳۸. «عزیزترین سرزمین حق»
۱۳۷. «أحب بلاد الله»
۱۳۸. ۳۹. «آن دلیل مبارک»
۱۳۹. «الدلیل الطیب»
۱۴۰. ۴۰. «نهایت حسر»
۱۴۱. «نهایت فی الحزن»
۱۴۲. ۴۱. «دل از فراق آرد آید و نون جهنم بود»
۱۴۳. «جحیم فی القلب و سعیر»
۱۴۶. ۴۲. «فراموشکار کیست»
۱۴۷. «من الساهی»
۱۵۰. ۴۳. «مگر صبر در این درد توان کرد»
۱۵۱. «الأسی لا یصبر»
۱۵۲. ۴۴. «هست آفاق درخشان در کف پایش مقیم»
۱۵۳. «فلک النور دون أخصصها»
۱۵۶. ۴۵. «کجایی»
۱۵۷. «أین هم؟»
۱۵۸. ۴۶. «جنگ عشق»
۱۵۹. «حرب الهوی»
۱۶۲. ۴۷. «چه کسی درد عشق می‌کشد؟»
۱۶۳. «من یحمل شجو الهوی؟»
۱۶۴. ۴۸. «کجاست آن گشایش؟»
۱۶۵. «هل عندکم من فرج؟»

- ۱۶۸ ۴۹. «یکی ماه بر شاخساری»
- ۱۶۹ «بدور علی غصون»
- ۱۷۰ ۵۰. «کشته‌ی چشم»
- ۱۷۱ «قتیل اللحاظ»
- ۱۷۲ ۵۱. «جایی برای معشوق، جایی برای عاشق»
- ۱۷۳ «ملک لمعشوق و ملک لعاشق»
- ۱۷۴ ۵۲. «دلی از عشق دارم آویزان»
- ۱۷۵ طلب علق»
- ۱۷۶ ۵۳. «معانقه‌ی ماه»
- ۱۷۷ «عناق الوع»
- ۱۷۸ ۵۴. «هرکس امیران ندی شد!»
- ۱۷۹ «کل ملک صاحبه»
- ۱۸۲ ۵۵. «این خاصیت عشق بُو مایه جانم»
- ۱۸۳ «الشوق غیباً و محضراً»
- ۱۸۴ ۵۶. «یکی تاج دوشیزه‌وار»
- ۱۸۵ «تاج کالعدراء»
- ۱۸۶ ۵۷. «دیدار پنهانی»
- ۱۸۷ «اللقاء السری»
- ۱۸۸ ۵۸. «عشق به کمال»
- ۱۸۹ «الوداد الصحیح»
- ۱۹۰ ۵۹. «آنی که به بازار منی یافتم او را»
- ۱۹۱ «منی نلتها بمنی»
- ۱۹۴ ۶۰. «درآ به منزل یاران»
- ۱۹۵ «ألم بمنزلهم»
- ۱۹۶ ۶۱. «رامشگری بر فراز میاد»
- ۱۹۷ «میاد فوق میاد»

مقدمه

- «ای شیخ! تو به من متهم به شهنشاهی می‌کنند! ردیه را خطی بنویس و خلاص کن!» چیزی چنین نه چنین خلاصه شاید، اما فحوا همین. رقعۀ ای که دو یار، بدر حبشی و اسماعیل بن سودگیر، سرخشان نوشته‌اند. یا اصلاً رودرو گفته‌اند. به تعارف و تکلف و کنایه. یا نه. بی‌پرده و برهنه و صریح.

و بدر و اسماعیل، چه می‌داشته‌اند که شوق در آن درجه، و سواسی است که فکر را از هر چیز جز او - آن - تهی می‌نماید. مغرور پیریشیده، در بالاترین درجات اضطراب، در نقطه‌ای که خرد معطل می‌ماند. می‌تواند عاشقانه‌ترین تراوشات شبانه را بر اوراق پراکنده بنویسد و گرد آورد و بدر از این، به دست ناشر بسپارد! و عقل در آن لحظات، نه بر مسند قضاوت است که نه بر سرنا. هاز! یک عمر داعیه‌ی ولایت الهی کردی و اکنون بهترین قضاوت را چنین بروده‌ای؟ در وصف حالات دُخْت ابوشجاع؟ آن هم با این اشارات مستقیم؟ و چنین برآمده و حجاب؟ و از او نام هم برده‌ای؟

«نَظَمْتُ نِظَامَ الشَّمْلِ فَهِيَ نِظَامُنَا

غَرَبِيَّةٌ عَجَمًا تِلْهِی الْعَارِفَا (قصیده ی ۲۹)

و دیگر چه؟! ... مِنْ بُنَيَاتِ فَارِسْ،

لَطِيفَةُ أَيْمَاءٍ مَرِيضَةٍ أَجْفَانِ» (قصیده ی ۳۸)